

ایسکانیوز گزارش می‌دهد:

درس‌های فلسفی کرونا برای زندگی انسان

«کرونا را شکست می‌دهیم»، جمله‌ای است از نوع «ما می‌توانیم». برای یک مبارزه سخت، امید را باید در دل‌ها نگه داشت اما ما می‌توانیم و شکست کرونا، صرفاً با امید محقق نمی‌شود، تلاش هم لازم است و در کنار تلاش باید اندیشید. مثلاً بیاندیشیم؛ اگر این ویروس مدرن اهل مقاومت باشد و به این زودی شکست نخورد، چه باید کرد؟

به گزارش گروه اجتماعی ایسکانیوز، کروناویروس در این روزها، نه فقط زندگی انسان مسلمان ایرانی که زندگی نوع انسان را به خود مشغول کرده است؛ از چین کمونیست گرفته تا آمریکا لیبرال، همه در این فکرند که چگونه از دست این ویروس جدید خلاص شده و به زندگی سرشار از روزمرگی خود بازگردند. خاصیت فلاسفه این است که مسائل پیش روی انسان را از زاویه‌ای غیر از زاویه نگاه عموم ببینند تا شاید دریچه‌ای جدید به روی زندگی انسان باز کنند.

در این گزارش کروناویروس را از پنجره نگاه چند اندیشمند ایرانی بررسی خواهیم کرد.

کرونا یک ویروس تکنولوژیک

رضا داوری اردکانی، فیلسوف و رئیس فرهنگستان علوم نگاهی به این مساله داشته و در یادداشتی نوشته است: بیماری‌های واگیردار همیشه بوده و با هجوم ناگهانی و ایجاد وحشت کشتار می‌کرده است. در قدیم طاعون و وبا بیشتر قربانی می‌گرفت. در زمان جنگ جهانی دوم (در سال ۱۳۲۱) تیفوس به تهران آمد و بلائی جان هزاران نفر شد. این بیماری‌ها می‌آمدند و مصیبت به بار می‌آوردند ولی اکنون به جای آنها ویروس‌های سارس و مرس و کرونا ناگهان و ناخوانده سر می‌رسند و به جان مردم و زندگی‌شان می‌افتند. اینها به کشتار اکتفا نمی‌کنند بلکه زندگی را به تعطیلی می‌کشند و هر جا باشند نه کار هست، نه تفریح. تولید و دادوستد و فرهنگ و سینما و ورزش و مدرسه و دانشگاه و شاید فکر کردن هم معلق می‌شود.

وی در ادامه می‌گوید: گمان نشود که کرونا ویروس، صرفاً ضد سرمایه‌داری است، کرونا با سوسیالیسم هم سروکار ندارد، بلکه این ویروس، ویروس تکنولوژی است و چنانکه بیل گیتس یکی از نمایندگان تکنولوژی عصر گفته است، تکنولوژی هم از عهده‌اش بر نمی‌آید. ظاهراً تکنولوژی با بلایای طبیعی آسان‌تر مقابله می‌کند تا با شروری که از خود آن زاده می‌شود. تمدن تکنولوژیک چندان که از نیروهای مخرب درونش می‌ترسد، از قهر طبیعت نمی‌ترسد ولی آدمی می‌تواند و باید بر این ترس غلبه کند.

انسان موجودی ترس‌آگاه

داوری اردکانی در یادداشتی دیگر به ترس انسان از این ویروس می‌پردازد و می‌نویسد: تنها ما نیستیم که از ویروس کرونا می‌ترسیم، همه مردم جهان از آن می‌ترسند و هیچ‌کس را از این بابت نمی‌توان و نباید ملامت کرد. وقتی همه از چیزی می‌ترسند، آن چیز قاعدتاً باید ترسناک باشد.

وی با اشاره به اختلاف ترسی که انسان از آن غافل می‌شود و ترسی که نمی‌تواند از آن غافل شود، می‌نویسد: ترسی که از آن غافل می‌شویم اگر بماند شاید صاحبش را به احتیاط وادار یا او را از خطر حفظ کند اما ترسی مثل ترس از کرونا که می‌ماند خطر را بیشتر و شدیدتر می‌کند. برای اینکه بهتر بتوان با خطر ویروس مقابله کرد، باید فرصتی باشد که در آن بتوان به دفع خطر اندیشید. اندیشیدن مستلزم رهایی و انقطاع جزئی یا کلی از ترس است و با این رهایی شاید بعضی چاره‌های مقابله با خطر پیدا شود ولی شاید اثر بزرگ‌تری هم داشته باشد.

داوری اردکانی در ادامه یادداشت خود می‌گوید: فیلسوفان اگزیستانس آدمی را موجودی ترس‌آگاه می‌دانند. ترس‌آگاهی با ترس تفاوت دارد. ترس از بیرون و از شیئی معین است ولی ترس‌آگاهی احساس ترس توأم با درد است و دردمند نمی‌داند ترس و دردش از کجاست. این ترس، ترس از نیستی است. اگر ترس از کرونا به ترس‌آگاهی برسد، می‌تواند مایه تذکر مؤثر و راهگشا باشد. بشر همواره این استعداد را داشته که به غرور مبتلا شود اما عصر جدید به‌خصوص آنجا که ناتوانی با توانایی اشتباه می‌شود، آدمی بر مرکب سرکش غرور نشسته است و می‌تازد، بی‌آنکه از خطرهای راه‌پیزی بداند. اگر ویروس کرونا ناتوانی ما را به ما بنماید و موجب شود که زمام مرکب غرور را ننگ داریم و از دعوی‌های بیهوده اندکی رو بگردانیم، درس بزرگی به ما داده است. تمدن تکنولوژیک جدید، تمدن عظیمی است که وجود و آثارش به یک معجزه می‌ماند اما این قدرت عظیم و بی‌مانند نمی‌داند و نمی‌خواهد بداند که یک ویروس جهش‌یافته بیرون آمده از آزمایشگاه یا به‌قولی جداشده از جسم یک پرنده مفلوک، می‌تواند نظم عظیم و حیرت‌انگیزش را بلرزاند و دچار بحران و خلل و اختلال کند. در نظام بزرگ تمدن کنونی و در عظمت بشر تردید نمی‌کنیم اما از ناچیزی و ناتوانی انسان و از دچار شدنش به غرور همه‌توانی و همه‌دانی نیز نباید غفلت کرد.

فرهنگ عمومی و کرونا

دکتر مهدی مولایی‌آرانی استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم در یادداشت خود به فرهنگ عمومی در ایام کرونایی پرداخته و نوشته است: این روزها، شب و روزمان شده است کرونا. از رعایت نظافت در محیط حقیقی تا محتوای راست و دروغ در فضای مجازی. کمتر کسی می‌توانست پیش‌بینی و حتی تصور این‌گونه زمانی را داشته باشد که مساجد تعطیل شود، صلح ارحام و خریدهای نوروزی تبدیل به قرنطینه خانگی شود و جلسات اداری و رسمی حتی در مجلس شورای اسلامی لغو شود. زندانیان هم به مرخصی زود هنگام و بلندمدت روند.

مولایی‌آرانی در ادامه این یادداشت می‌نویسد: دوگانه‌های دنیای مدرن عینک و شابلون نگرستن ما را تغییر داده است. در مواجهه با یک مسأله داخلی و کاملاً عینی و ملموس در عالم پزشکی و تجربی، باز هم دوگانه مردمی - دولتی بازتولید می‌شود. باز هم دوگانه حکومتی - مردمی رپرتاژ می‌شود. مشکل اصلی ما آن است که از عالم و دنیای فرهنگی خود فاصله گرفته‌ایم و ادابازی دنیای غرب را برای خود بزرگ کرده و گمان می‌کنیم، تحلیل‌های پیشرفته‌ای ارائه می‌کنیم. در فرهنگ اسلامی و دینی، اصل بر اصالت الصحه است. اصل بر برائت و صداقت است. چرا به محض اعلام خبرهای رسمی مبنی بر مسافرت نروید، ضد آن را عمل می‌کنیم و به خیال خود حال مسوولان را می‌گیریم، غافل از آنکه همان فردی که به‌خاطر مسافرت ما به زحمت می‌افتد اعم از نیروی راهور، راهداری، پزشک، پرستار و... همگی جز مردم هستند و اصالتاً اصالت دادن به دوگانه مردمی - دولتی باطل و نادرست است. باور کنیم همه ما سوار بر یک کشتی شده‌ایم و هرکس اعم از مسوول و غیرمسوول اگر خیانتی کند به همه آسیب می‌رسد و البته خیانت مسوول سنگین‌تر و تقاص آن سخت‌تر خواهد بود.

کرونا و مرگ‌آگاهی

مسعود زین‌العابدین دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی در یادداشت خود درباره کرونا نوشته است: انسان سنتی می‌خواست مرگ آگاه باشد ولی طب، چنین قابلیت نداشت. پزشکی امروز به انسان می‌گوید که مثلاً در چند ماه آینده خواهد مرد و همین آگاهی، زندگی را برای انسان مدرن سخت و بی‌معنا می‌کند و رنج بیماری را به یک فرایند دردناک‌تر بدل می‌کند. انسان سنتی تمایل بیشتری به مرگ‌آگاهی داشت. او دوست می‌داشت ماه‌ها قبل، از مرگ مطلع باشد و تمهیداتی بیندیشد؛ اما انسان مدرن وقتی به مرگ می‌اندیشد، زندگی را بی‌معنا می‌یابد. او طالب مرگ ناگهانی است. ما دوست می‌داریم اصلاً از مرگ خود باخبر نشویم؛ مرگ یکباره به سراغمان بیاید، تا آخرین لحظه فقط زندگی کنیم و مرگی در کار نباشد و در آخرین لحظه هم مرگ بیاید و زندگی‌ای در کار نباشد. برای انسان مدرن، اینکه هم زندگی کند و هم از مرگ خود پیش‌آگاهی داشته باشد، امری شکنجه‌آور است.

وی در ادامه این یادداشت می‌نویسد: مواجهه انسان ایرانی با کرونا چالشی نیمه‌مدرن و نیمه‌سنتی در برابر مرگ‌آگاهی است. اضطراب او بیش از آنکه ناشی از مرگ باشد از تصور مرگ است. وحشت کرونایی وحشتی در جست‌وجوی معنا برای زندگی است. او دوست دارد بی‌اطلاع بمیرد و برای همین از مرگ‌ومیر جاده‌ای که کشته بیشتری دارد، نمی‌هراسد اما از کرونا وحشت دارد. تقلای امروز انسان ایرانی برای فرار از کرونا، بیش از آنکه فرار از مرگ باشد، فرار از مرگ‌آگاهی است. کسانی که برای حفظ شعائر همت کرده‌اند نماز جماعت حرم تعطیل نشود، برای چنین عارضه‌ای هم نسخه دارند؟

کرونا بیماری تنهایی

زین‌العابدین در بخشی از یادداشت خود می‌گوید: کرونا ذاتی متناسب با دنیای مدرن دارد. این بیماری مدرن و این ویروس تکامل یافته، متناسب با زندگی مدرن، تطور یافته و به اینجا رسیده است. کرونا بیماری تنهایی است. ویروس فرار از حقیقت به مجاز، گریز از تجمع حقیقی و تبادل عواطف اصیل انسانی به گروه‌های مجازی، فرار از با هم بودن به تفرد انسان بی‌خویشتن مدرن. تفرد، مشخصه دنیای مدرن است. انسان بی‌خویشتن مدرن، در بین انسان‌هاست اما همواره در سویدای وجودش در رنجی از یک تنهایی مفرط به سر می‌برد. او در جمع می‌زید، کسب می‌کند، می‌خندد و در نهایت باز احساس تنهایی می‌کند. کرونا ویروسی متناسب با چنین دنیایی است. انسان مدرن از قرنطینه فرار می‌کند. او دوست ندارد تنهاتر از قبل شود. مبتلای به کرونا هیچ حمایت شونددگی‌ای برای خود متصور نیست. انسان ایرانی، وحشت‌زده از کروناست چرا که از مرگ در کنج عزلت هراسناک است. کرونازده هیچ ملاقاتی‌ای ندارد و خاک‌سپاری‌اش نیز فریز شده است. انسان ایرانی از قرنطینه می‌هراسد و این گونه از کرونا فرار می‌کند. آیا ویروس تفرد کرونایی، ما را با خویشتن خویش آشنا خواهد کرد؟ آیا انسان‌های فراری از مترو و اتوبوس و تجمع، در این تنهایی، با ذات دست‌نخورده خودشان آشتی خواهند کرد؟ یا همچنان در گروه‌های مجازی به دنبال مسکن حمایت اجتماعی روزگار خواهد گذرانید؟

زندگی با کرونا

کرونا ویروس، بیش و پیش از سلامت انسان سبک زندگی انسان را هدف گرفته و به مبارزه با نظم زندگی انسان مدرن پرداخته است. در کنار همه توصیه‌های بهداشتی و رعایت نکات ایمنی لازم است متفکران به این موضوع بپردازند که چگونه می‌توان تهدید کرونا را به فرصت تبدیل کرد و آگاهی مردم را نسبت به زندگی و هدف زیستن افزایش داد. اینکه چگونه کرونا را شکست بدهیم مهم است اما اینکه غافلانه از حکمت این رخداد بزرگ و جهانی بگذریم شکست اصلی برای نوع انسان خواهد بود. شاید هم یک مساله این باشد که چگونه با کرونا زندگی کنیم؟

انتهای پیام /